

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی
فرستنده: درویش وردگ
۲۰ دسمبر ۲۰۱۷

ترجمه

السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۲۷

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی
ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

مسألة پنجاه و هفتم

(قسمت اول)

آنست : که بامبتدع ننشینی، که درخبراست: که هر که مبتدع را دوست دارد، وباوی همنشینی کند، بد از آن باشد که هزار بار باکافرش همنشینی کند. و هر که مبتدع را سلام کند، چنانستی که ویران کردمسلمانی را، و هر که در روی مبتدع نگرد، چنانستی که خود را کشتستی، و درخون خود گرفتار شدستی. و هر که مبتدع را دشنام دهد، یا دشمن دارد، آن نزدیک خدای عزوجل فاضلترین مجاهدان باشد. و عبدالله ابی جعفر گفت، که رسول علیه السلام گفت: هر که چنگ در سنت من زند در وقت تباهی امت من. ثواب صد شهید بدهند.

وعروة بن رویم گوید، که رسول علیه السلام گفت: که از پس وفات من شمارا ایام صبراست. یعنی هواهای مختلف ببینید، و هر که در آن وقت چنگ در سنت من زند ، ثواب پنجاه ویکتن ، که گرویده خدای عزوجل باشد بیابند. پرسیدند: که یارسول الله! پنجاه تن از ایشان یا پنجاه تن از ما؟ رسول گفت صلی الله علیه وسلم: پنجاه تن از شما. و ابوهریره روایت کند، که رسول علیه السلام گفت: ای یاران من! شمارا زمانه ای آید، که اگر از ده فرمان که شمار فرموده اند، یکی رادست بازدارید هلاک شوید. و بامردمان زمانه ای آید که اگر ده فرمان که ایشان را فرموده اند، یکی را بکنند، از آتش برهند.

معنی آن باشد: که ازین یک بکنند برموافقت سنت کرده باشد برهد. باز اگر ده بکند برموافقت بدعت کرده باشد هلاک شود.

وحسن بصری رحمة الله روایت کند: که روزی رسول علیه السلام می گریست گریستنی که عایشه رضی الله عنها نیز گریان شد. رسول گفت: یا عایشه! چه چیز ترا گریان کرد؟ گفت: یا رسول الله! از گریستن شما گریان شدم.

رسول علیه الصلوة والسلام گفت: در آخر زمان قومی باشند، که چنگ در دین من زنند، چنان که کسی هلاک خواهد شد، چنگ در رسن استوارزند، تا از هلاک برهد. و ایشان در میان قومی مانده باشند، که آن قوم را از مسلمانی جز نام نصیب نیست. و آن کسانی که چنگ در دین و سنت من زده باشند، در میان آن قومی مفسدان چنان باشند، که دل‌هایشان بگدازد چنانک نمک در آب.

عایشه گفت (رضی الله عنها): یا رسول الله! ایشان در آن زمانه چگونه زندگانی کنند؟ رسول علیه السلام گفت: که ایشان در آن زمان چنان باشند، که کرم سرکه که در سرکه.

یا عایشه! ایشان برادران و یاران منند، یکمرد را از ایشان هم چندان مزد باشد، که هفتاد مرد بدری را، که ایشان در غزاة بدر بامن بوده باشند.

یا عایشه! من از خدای عزوجل خواسته‌ام، تا آن دوست و کارساز ایشان باشد از پس وفات من. حق تعالی گفت: من ولی ایشانم از پس وفات تو. و اگر نه آنستی، که خدای عزوجل ولی ایشان است، اگر نه من از دنیا بیرون شدمی با سخت ترین غمی.

و عبدالملک بن مسلم گوید، که رسول علیه السلام گفت: که حق تعالی بنده را در بهشت درآرد، که چنگ در سنت من زده باشد، و آن سنت مرا زنده کرده باشد.

و ابی بن کعب رضی الله عنه روایت می کند: که بر شمباد، که بر راه سنت و جماعت باشید! که هیچ بنده نیست، که آن بر سبیل سنت و جماعت باشد، و خدای عزوجل را یاد کند، و آب از چشمانش فرود آید از بیم خدای تعالی، هرگز آتش آن را بنسوزد، و هیچ بنده ای نیست که آن بر راه سنت و جماعت باشد، و خدای عزوجل را یاد کند، و از بیم خدای بلرزد، مثل آن چون درختی باشد که برگهای آن خشک شده باشد، و باد بروی زند، برگهای آن فرو ریزد، همچنین گناهان آن بنده فرو ریزد، و طاعت اند که بر سبیل سنت و جماعت باشد، فاضلتر از طاعت بسیار، که نه بر سنت و جماعت باشد.

و عبدالله بن عباس گفت رضی الله عنه: که رسول علیه السلام گفت: هر که کار کند بر موافقت سنت و جماعت، اگر صواب کند از وی بیاموزد و اگر خطا کند بیاموزد، و هر که کاری کند برخلاف سنت و جماعت باشد، اگر صواب کند نپذیرد و اگر خطا کند در دوزخ بود.

و ضحاک روایت کند، که رسول علیه الصلوة و السلام گفت: هر که از خانه بیرون آید، تا بایی از علم بیاموزد، تا بدان علم، باطلی را سوی حق آرد، یا گمراه را به راه راست آرد، آن کردار چون عبادت چهل ساله باشد.

و حسن بصری رحمه الله علیه گفت: هر که سنتی را زنده کند، چنانستی که همه مرمان را زنده کردستی. و حق تعالی گفت: مَنْ أَحْيَا هَذَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا یعنی کسی را بر شرف هلاک بیند، آن را از هلاک برهاند، یا کودکی را از راه برگیرد بپرورد، تا بزرگ شود، یا مبتدعی را از بدعت به سوی سنت و جماعت آرد، چنانستی که آنرا زنده کردستی.

و زید بن اسلم روایت کند: که رسول علیه السلام مرعلی بن ابی طالب را به سوی یمن فرستاد و گفت: یا علی! اگر خدای عزوجل یک مردی را بردست تو راه نماید، بهتر از آن باشد، که از مشرق تا مغرب ترا باشد و تعدق کنی!

و عقبه بن عامر روایت کند که رسول علیه السلام گفت: هر که بردست آن مردی مسلمان شود، هر آئینه بهشت آن را روزی شود.

و عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کند، رسول علیه السلام گفت: که حق تعالی، از صاحب بدعت هیچ کردار نپذیرد، تا از آن بدعت دست باز ندارد.

و انس بن مالک رضی الله عنه روایت کند: که جبرئیل علیه السلام این آیت را قوله تعالی: إِنَّ الَّذِينَ قَرَأُوا كِتَابَهُمْ وَكَانُوا شَبِيحًا لِّسْتٍ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ. این آیت در شان گمراهان و مبتدعان آمده است که از دین و از راه سنت و جماعت جدا شدند. پس

رسول علیه السلام گفت: یا عایشه! بر هر گناه کاری توبه باشد، جز آن کسانی که صاحب هوا و بدعت اند، که ایشان را توبه نباشد، و من از ایشان بیزارم.

وخالد بن بقی گوید: در بنی اسرائیل جوانی بود، علم آموخته بود بسیار. اما درد دنیا بروی بسته بود. پس بدعت پیش گرفت و مردمان را به بداعت میخواند، آن را اجابت کردند و بدان سبب توانگر شد، و عمر دراز یافت. شبی باخود اندیشه کرد: که این چه بود که من کردم. چندین هزار مسلمان را از راه راست به بدعت بردم. پس گفت: من توبه کردم و بازگشت و در عبادۀ جهد کردن گرفت و تضرع و زاری می کرد و شب و روز می گریست. پس گردن خود را سوراخ کرد و زنجیری در گردن خو افکند و خود را بر ستون بست از ستونهای مسجد و گفت: از این جا نروم تا حق تعالی توبه مرا اجابت نکند، و اگر نه همچنین باشم تا بمیرم. به پیغمبر آن زمان وحی آمد، که بگوی مر آن راه زننده بندگان مرا، اگر این گناه من و توبودی در گذشتمی، ولیکن این بندگان را که از راه بردی، و به بدعت و ضلالت اندر افگندی، و ایشان بمردند و من مرایشان را به دوزخ فرستادم، ناچار ترا بر اثر ایشان باید رفت به دوزخ و ترا توبه نیست، و از رحمت نصیب نیست.

و عتبه بن سعید گفت: هر که بدعتی در دین آشکار کند، غل و غش در دل آن پدید آید بر مسلمانان و امان و شفقت از دل آن بیرون شود.

وحسن بصری رحمه الله علیه گوید: که هر که اهل بدعت را غیبت کند، آن غیبت نباشد، یعنی آراء بزه نباشد.